

اهمیت تاثیر قانون مالیاتها

بر زمینه‌ی فرهنگ ملی

لایحه جدید مالیاتها که در پارلمانست بزودی اعتبار قانونی خواهد یافت. درباره این قانون ، و آراستن آن ، با اصول و نکاتی که شرایط لازم یک قانون مالیاتی «جامع و مانع» است از هر سو گفتنیهای گفته شده ، مطالبی هم ، گویا ناگفته مانده ، که اگر چه در ایراد آن تاخیر شده ، لیکن تا قانون و آئین نامه‌های وابسته بآن به تصویب نهائی نرسیده ، باز هم محل گفتن دارد . باشد که التفات بآن بی‌فایده نباشد :

احساس نیاز به قانون « نو » خود دلیل طبیعی نقص و نارسائی قانون « کهن » و ناشایستگی آن ، بامناسبت‌ها و احتیاجات زمانست . چه زمان قوانینی را می‌پذیرد و جذب میکند که با روح مترقی و خصایص دیگر گون سازיעنی آمیختگی ، و بالطبع و اقتضای محیط و جهتی که کشور در آن پیش میرود ، سر همراهی داشته باشد .

از «قانون» تنها آن هدف آشکار که - بظاهر - برای آن وضع میشود ، مورد ملاحظه نیست ؛ چنانکه از قانون مالیاتها - صرفاً - درآمد دولت را نباید مدنظر قرارداد . به فرض هم که غرض ، تنها اخذ مالیات باشد . آثار ناشی از آن را (باهر تمهید) مهار ، نمیتوان کرد . چه خواهی نخواهی ، دیر یا زود آن آثار می‌تراود و سایه‌هایی از آن بروی دیگر مسائل وابسته می‌افتد ؛ مسائلی که هر یک - در حد خود اعضای جدائی ناپذیر یک پیکرند ... و این نکته ایست که همواره اهمیت اساسی داشته و امروزه که کشور ما با امکانات و برنامه‌های وسیع و سرمایه‌های کلان و سنگین براهی نو گام می‌زند . لزوم و اهمیت حسن ترتیب و پیوند قوانین ، برای ثمر بخش کردن همه کوششها ، برجسته‌تر نمایانست .

بدین استدلال ، قانون مالیاتها ، رشته بسیاری از مسائل و مفاهیم مادی

و مغنوی را طبعاً بخود بسته دارد، خواه بهنگام تدوین، در آن رعایت پیوستگی جمله جهات شده باشد و خواه نا آگاه و غافل از تأثیر پذیری دیگر مسائل، تنها جنبه مالیاتی آن مورد ملاحظه بوده باشد.

اما «قانون مالیاتی کامل» - برای زمان حال - اجمالاً ترکیبی است مناسب و متعادل از جنبه‌های: مالی - اقتصادی - قضائی - اداری - سیاسی - و امکانات اجرایی... که هر جمله و جنبه آن، در تأیید یکدیگر، و مجموعه آن موافق برنامه‌های طبیعی درازمدت و سازگار با اصول و نکات مهم، روانشناسی اجتماعی، در سطح فرهنگ جامعه، قابل انعطاف با روح انقلابی زمان باشد. و حصول چنین قانون، وابسته بانست که نخست همه اصول و دقائق جهات آن، جدا جدا از محیط و مقتضیات زمانه اخذ و هر جنبه آن با معیارها و مقیاسهای علمی و تجربی منحصان، تطبیق و سپس، تلفیق شده و شکل یافته آن از صافی سنجش و بررسی صاحبان صلاحیت، که افق دید و شناخت اجتماعیشان، پهنه گسترده کشور، با تمام ابعاد و زوایا و واقعتهای آن باشد، بی خلل و نقصان بگذرد.

در بررسیهایی که نسبت به لایحه جدید مالیاتها شده (گویا) توجه «صاحب نظران»، تنها - معطوف بجلوه‌های خارجی و شکل ظاهری (جنبه‌های مالیاتی و اقتصادی) بوده و کاری بجهات پنهانی و آثار مهم ناشی از نحوه ارتباط و ترکیب بود و نبود موجبات اجرای قانون و همچنین حالات روحی و نیازهای ابتدائی عوامل انسانی آن نداشته‌اند.

مثلاً: معلوم نیست که برای حل بسیاری از مسائل وابسته... از جمله مسئله مهم اختلافهای وسیع و شدید گروه مالیات بده و گروه مالیات بگیر - با آنهمه سوابق ذهنی از نابسامانها و تصوراتی که هر طرف از طرف خود دارند و خطری که از سوی داوریهایی ناروا متوجه رابطه دولت و مردم و سلامت اجتماع میشود، علل را در کجاها یافته‌اند و برای رفع آن چه اندیشیده‌اند؟

تردید نیست که اگر علتها (بهر شکل) بجای بمانند، کوششها بجای نمی‌رسد. و گذشته از آنکه این بی‌توجهی، به تبلیغات و نمایشهای چند ساله دولت که پیرامون آنهمه اصلاحات شده ضربه وارد خواهد آورد؛ ضربه شکننده‌تر متوجه بنای تفاهیم اجتماعی و فرهنگ ملی است که تقویت و تحکیم بنیان آن درین روزگار، از اهم مسائل است.

تبعیض در طبقات مشمول مالیات، و تضاد و تناقص و نارسائی، و چند

پهلوی بودن و گاه «دیکتاتوری قانون» و غیر قابل اجرا بودن پاره‌ای مسواد آن مسلماً به تخریب اندیشه‌ها و پیدایش راههای گریز از احکام قانون کمک میکند.

برای بدست آوردن نمونه و معیاری از آنچه به کنایه گذشت، میتوان، از میان چندین میلیون جمعیت کشور و چند میلیون مشمول مالیات، فقط به گروهی کوچک از طبقات، مراجعه و به اندیشه آنها درباره «مسأله مالیات نزد عموم» آگاهی یافت و برای شناسائی علت پیدایش آنگونه اندیشه مسأله را بطور علمی، مطرح و تحلیل نمود و آنگاه پی برد که آنهمه نابسامانیها - آشفتگی‌ها و پراکندگیها ... دراصل و آغاز «از فساد مردم و عوامل دستگاه» نبوده بلکه عامل مهمتر خود (قانون) بوده است که علل و اسباب و بهانه همه بدیها و بدآموزیها و کج رویها را از هر سوء فراهم کرده است.

باری، اگر نظر یاخذ مالیات و سازمان اقتصاد هم باشد، تامین آن بنحو مطلوب، بی گسترش (عدالت اجتماعی) که شعاری مقدس و تکیه کلام همه است، به نحو مطلوب میسر نیست و عدالت اجتماعی نیز بی همفکری و همکاری و یکدلی عموم، گسترش نمی پذیرد، چه امکان جوشش و یگانگی اعضای اجتماع با وجود اینگونه اختلافات، متصور نیست اما باهمه اینها تحقق نسبی و تدریجی این سلسله مرتبط باهمه تعقیدها و پیچیدگی‌ها - اگر تعصب در میان نباشد - خوشبختانه آنچنان دشوار نیست، دشواری دریافتن راه و شیوه انجام کار است!

چنانکه در آغاز سخن اشاره رفت «مبحث» وسیعتر از آنست که با گفتاری کوتاه بتوان از یکایک نکات مواد و آثاری که از مجموع آن بر زمینه امور خواهد نشست - بطور سنجیده یاد کرد و به یقین اینگونه بررسی، و سپس ارائه بهترین نوع کامل و آراسته‌ای قانون، کاریک تن، آنهم در گنجایش یک مقاله در زمانی کوتاه نیست.

ولی آنچه را که با اطمینان میتوان گفت، لزوم تقویت حتمی جنبه‌های فرهنگی و روحی و روانی قانون موافق دریافتها و معلومات و سوابق ذهنی جامعه است. آنچه مظاهرش را نزد هر مالیات بده و مالیات بگیر و نزد دیگران بیش و کم میتوان دید و شنید و احساس کرد.

جای انکار نیست که در گذشته مقررات مالیاتها و اسلوب اجرای آن از نکات مثبت انگیزه‌های روحی تهی، ولی تا بخواهید، آن به اصطلاح (مقررات) سرشار از موادی خشک و ناسنجیده بوده که حس بدبینی مردم را علیه «قانون»

و متأسفانه علیه مجریان آن ، به نحو بی‌رحمانه‌ای برانگیخته و همین انگیزش چون بالقات ناشی از تبلیغات و آموزشهای ناروا و غلط همداستان شده دیوار بلند و تیره‌ای در میان گروه مالیات بده و گروه مالیات بگیر بالا برده و هاله‌ای از شایعات و پندارهای نادرست پیرامون اندیشه و تلقی گروه کثیری پدید آورده که امکان تفاهم و درک متقابل و بازشناختن حقیقت را برای بسیاری ، مشکل کرده و همین نحوه قضاوت و تلقی مردم ، از امور مالیاتی ، و سستی و بی‌پایگی معلومات و معرفت مالیاتی - اکثریت داوری کنندگان چون ابری ، که از بدآموزیها و سوء تفاهمات باردارد ، بازان دروغ - عدم اعتماد - عصبان و بدبینی و تهمت واقفرا و فرار از همکاری در انجام وظیفه اجتماعی را فراوان بروی محیط باریده است ؟! و حال آنکه اصولاً «قانون» برای حسن نظام جامعه و بهبود روابط افراد و تحکیم خانواده و وطن به سبب الزام و عادت و تشویق عموم به احترام «قوانین و مقررات» وضع میگردد .

دریغ است که علل بیگانگی سازی افراد را - با همه‌ای روشنی و وضوح نسبت بهم دیگر و نسبت بقوانین شناسیم و با زبان و منطق واحدی باهم سخن نگوئیم و در چهره همدیگر بجای نشانهای خشم و دوگانگی آثار رضایت و یگانگی نبینیم .

کشور ما مسلماً نیازمبرم ، به آبادانی و عمران و احداث صنایع سنگین و نوسازی کلیه مظاهر مادی دارد و خوشبختانه پیشرفتهای ما در این زمینه شایسته ستایش است . اما (نیازمبرم تر) ما به استغنائی معنویات و جوشش و یکدلی و ایجاد حسن ظن بهم دیگر و تقویت فرهنگ ملی است تا بهنگام احساس بی‌عدالتی تکیه به قانون زنیم و قانون را در همه حال احترام نهیم و بدآوری آن سر تسلیم فرود آوریم . اما اگر قانون جامع و مناسب محیط نبود یاست و ناتوان بود بارنگ و خاصیت نوعی دیکتاتوری و تبعیض و تضاد و تناقض داشت . دیگر آن قانون ، نمیتواند حرمت و اعتماد مردم را نسبت بخود برانگیزد و مسلم است به آن جامعه‌ای که (بهر علت) از قانون روگردان شد . فسادها رومی آوردند . دلها از هم می‌گریزند . چهره‌ها باهم دژم ، و پایه‌های اخلاق از استحکام تهی و لرزان میگردد... و اعلام این نکات خطیر در این بستره از زمان ، ارزش بررسی و امان توجه را در حد عالی دارد .